



تمام عشق‌های سرزمین تلفن همراه!

● نگار تبریزی

من نمی‌دانم چرا عده‌ای با اطلاق عنوان «اعتیاد» به علاقه‌مندان بی‌حد و حصر تلفن همراه، قصد دارند استفاده‌کنندگان از این وسیله، نوین اطلاع‌رسانی را «معتاد» و در واقع نوعی «مریض» قلمداد کنند. به نظر من، اینها عاشقان سینه‌چاکی هستند که با تمام وجود، علاقه خودشان را به این وسیله ابراز می‌کنند و ما نباید آنها را معتاد بنامیم. البته همان طور که عشق خود انواع و اقسام فراوانی، از جمله عشق مجازی، عشق حقیقی، عشق خیابانی و... دارد، عشق در سرزمین تلفن همراه هم گسترده و نامتناهی است. پس می‌توانیم عاشقان تلفن همراه را با توجه به ذوق و نکته‌سنجی شان به این شرح طبقه‌بندی کنیم:

▲ عاشقان مدل گوشی تلفن همراه

این افراد به محض دیدن گوشی جدید با قابلیت‌های جدیدتر، عشق قبلی خود را که از دل بستن به آن تنها یک‌ماه و چند روز گذشته است، ترک می‌کنند و با صرف هزینه، گوشی جدید می‌خرند. افرادی را می‌شناسم که ماهانه چند صد هزار تومان برای تعویض گوشی خود هزینه می‌کنند. حتی فردی را سراغ دارم که پس از خریدن گوشی جدید، چند مغازه آن طرف‌تر با یک گوشی دیگر با قابلیت‌های بهتر مواجه شد و چون عشق گوشی بود، حاضر شد جریمه از بین بردن آکبند بودن گوشی را به فروشگاه قبلی بدهد و گوشی جدیدتر را بخرد. برخی کارشناسان تربیتی، عشق این قبیل عاشقان تلفن همراه را، با تاسی از عاشق شدنهای لحظه‌ای بعضی جوانهای امروزی، **عشق خیابانی یا عشق ویتروینی** نام نهاده‌اند.

▲ عاشقان بلوتوث پخش کردن برای دیگران

«اینو شنیدی؟ (یا اینو دیدی؟)» این عشاق سینه‌چاک، پس از گفتن چنین عبارتی، مشغول پخش بلوتوث برای دیگران می‌شوند. چند وقت پیش جایی میهمان بودیم. از ۵ - ۴ ساعتی که آنجا ماندیم، به جرئت می‌توانم بگویم این عاشق محترم، تقریباً سه ساعت بلوتوث پخش می‌کرد. جالب این‌جا بود که وقتی به بخشهایی می‌رسید که کلمات یا جملات نامناسب ادا می‌شد، میکروفون گوشی‌اش را قطع می‌کرد و گوشی را می‌داد به فردی که گیرش انداخته بود و از او می‌خواست با چسباندن گوشی به گوشش، بلوتوث را بشنود. طرفه این که، همه اهالی میهمانی، به‌ویژه پیرمردها، از این رفتار او پاک اعصابشان به هم ریخته بود.

▲ عاشقان بازیهای رایانه‌ای موجود در گوشی تلفن همراه

تعداد این عشاق، روز به روز در حال کاهش است، ولی هنوز کم و بیش، به ویژه در میان افراد کم سن و سال و کودکانی که از دولتی سر بابا و مامان موبایل‌دار شده‌اند، به چشم می‌خورد.

▲ عاشقان تبدیل تلفن همراه به دستگاه پخش موسیقی

برخلاف تعداد عاشقان دسته قبلی که روز به روز در حال کاهش هستند، این روزها تعداد کسانی که از بالا و پایین و کنار و بالای جیب و کاپشن خود سیم‌کشی شده‌اند، در حال افزایش است. اینها بعضی وقتها آن چنان در موسیقی غرق می‌شوند که ترجیح می‌دهند حتی خط گوشی تلفن همراه خود را قطع کنند و از تلفن همراهشان فقط به عنوان

دستگاه پخش موسیقی استفاده کنند.

عاشقان استفاده رادیویی از تلفن همراه

اگر دیدید چهره فردی مجهز به انواع اقسام سیم کشیهای موبایلی، در حین گذر از خیابان و یا حضور در اتوبوس و مترو، بشاش و خندان می‌شود و او کمی تا قسمت از جایی که ایستاده است به هوا می‌پرد، مطمئن باشید که گوشی تلفن همراه خود را به رادیو تبدیل کرده و در حال شنیدن گزارش بازی تیم محبوب خود از رادیوست. البته همان طور که رادیو در حال حاضر به رسانه ویژه برخی خانواده‌های روستایی و نیز رانندگان تبدیل شده است، عاشقان استفاده رادیویی از تلفن همراه هم در اقلیت‌اند.

عاشقان استفاده پیامکی از تلفن همراه

تعداد این عشاق، روز به روز در حال افزایش است. آنها حتی ترجیح می‌دهند به جای حرف زدن، با پیامک تبادل حرف و سخن کنند. گستردگی استفاده از پیامک، ادبیات نگارش خاصی را بین این افراد به وجود آورده است. که به راحتی توسط طرفین فهمیده می‌شود. مثلاً اگر پیامکی دریافت کردید که درخواست انجام کاری را از شما دارد، و در ابتدای آن نوشته شده است: «PLZ»، خیلی تعجب نکنید. فرستنده پیام در حال خواهش کردن و «please» گفتن به شماست. اگر قدری سنتان بالا باشد، قطعاً از زبان مخفی موجود در این تبادل اطلاعات پیامکی سر در نخواهید آورد.

عاشقان دوربین به دست

عکس گرفتن از همه چیز و همه‌جا، چه به درد بخورد، چه هیچ فایده‌ای نداشته باشد. این عشقی است که برخی عاشقان موبایل به دست را خفه کرده است. نه به خدا ناراحت نیستیم! فقط نمی‌دانم از برخی عکسها چه زمانی و چگونه می‌خواهند استفاده کنند.

عاشقان Gps

قرار بود دوستی را به منزلش برسانیم. از لحظه‌ای که سوار ماشینم شد، جی‌پی‌اس گوشی موبایلش را روشن کرد و در حال جست‌وجوی نشانی منزلش بود. به او گفتم: «هم من نشانی منزلت را می‌دانم، هم تو. تو را به خدا خاموش کن، بگذار دو کلام حرف بزنی». چند وقت بعد که باز هم با یکدیگر به محلی می‌رفتیم که هر دو نشانی‌اش را می‌دانستیم، GPS اش روشن بود. در این موقع بود که دانستم عاشق شده و دیگر کاری نمی‌شود کرد.

عاشقان رفتن به اینترنت از طریق گوشی تلفن همراه

با سرعت کمی که مثلاً در اینترنت‌های پرسرعت و وایمکسی و این قبیل چیزها مشاهده می‌شود، طبیعی است که روشن کردن موبایل در یک وسیله عمومی و رفتن به اینترنت از طریق آن، نوعی پز دادن به شیوه مدرن است. فقط کافی است صفحه اول یا هو دیده شود؛ دیگر بقیه را ولش کن.

به توصیه سردبیر محترم، قرار شد بقیه تقسیم‌بندی‌هایم را حذف کنم چرا که ایشان معتقد بود، دیگر دارم افراط می‌کنم و کاربردهای عادی این وسیله نوین ارتباطی را که می‌تواند مورد استفاده مردم قرار بگیرد، با نوعی نگاه بدبینانه، یک جورهایی در زمره عشق کور قرار می‌دهم. فکر می‌کنم ایشان درست می‌گویند. همان‌طور که بین نبوغ و دیوانگی، به اندازه یک مو فاصله هست، بین عاشق شدن کورکورانه و بی‌هدف و علاقه‌مندی عاقلانه هم فاصله‌ی بسیار کمی موجود است. به نظر می‌رسد اگر در دام این وسیله نوین اسیر نشویم، قابلیت‌های گسترده آن برای زندگی در جامعه پر تلاطم امروزی، برایمان سودمند افتد.^(۱)

پی‌نوشت

۱. همان‌طور که گفته شد، پاراگراف آخر دوباره نوشته شده است. من تقسیم‌بندی‌های خودم را تا ۲۵ نوع عشق موبایلی ادامه داده بودم. ولی به توصیه سردبیر محترم، بقیه را حذف کردم و به جایش این چند خط پایانی را نوشتم. این توضیح چند خطی را از آن جهت آوردم که سردبیر فرهیخته «رشد مدرسه فردا» را به سانسور متهم نکنید. این کار، نوعی خود سانسوری است که توسط من و با طیب خاطر انجام شده است. والسلام.